

۲۳۱- نام و نامگذاری دختر ولیعهد ژاپن*

نخستین فرزند شاهزاده نارو هیتو Naruhito، ولیعهد ژاپن، در پی مدت‌ها انتظار و سال‌ها پس از ازدواج وی با پرنسس ماساکو Masako، روز ۱ دسامبر سال ۲۰۰۱ چشم به جهان گشود. پس از یک هفته، روز ۷ دسامبر، دربار ژاپن اعلام کرد که نام این نوزاد دختر آیکو Aiko و عنوان سلطنتی او توشی - نو - می یا Toshi - no - Miya معین شده است. نماینده دستگاه سنت‌گرای دربار ژاپن در مصاحبه‌ای تشریفاتی در کاخ اقامتگاه ولیعهد ژاپن با اعلام این نام و عنوان، که شاهدخت تازه به دنیا آمده در کودکی به آن نامیده خواهد شد، به توضیح ریشه و مأخذ این نام و وجه انتخاب آن پرداخت و گفت که این هر دو نام از یک نوشته منزیوس Mencius حکیم چینی در بیان اهمیت و والایی عشق و احترام گرفته شده است. جزء «آی» در نام «آیکو» به معنی عشق، و «کو» رایج‌ترین پسوند در نام‌های دختران در ژاپن است، به معنی فرزند یا دختر (معادل فارسی این نام مهرزاد است؛ هر چند که مهرزاد معنی دختر خورشید هم دارد). این نام و عنوان می‌رساند که دارنده آن که همیشه مهر دیگران را در دل دارد، خود نیز طرف محبت و احترام مردم است.

* این نوشته با بهره‌گیری از گزارش‌های رسانه‌های جمعی ژاپن در ماه دسامبر ۲۰۰۱ و پاره‌ای منابع دیگر نگاشته شده است.



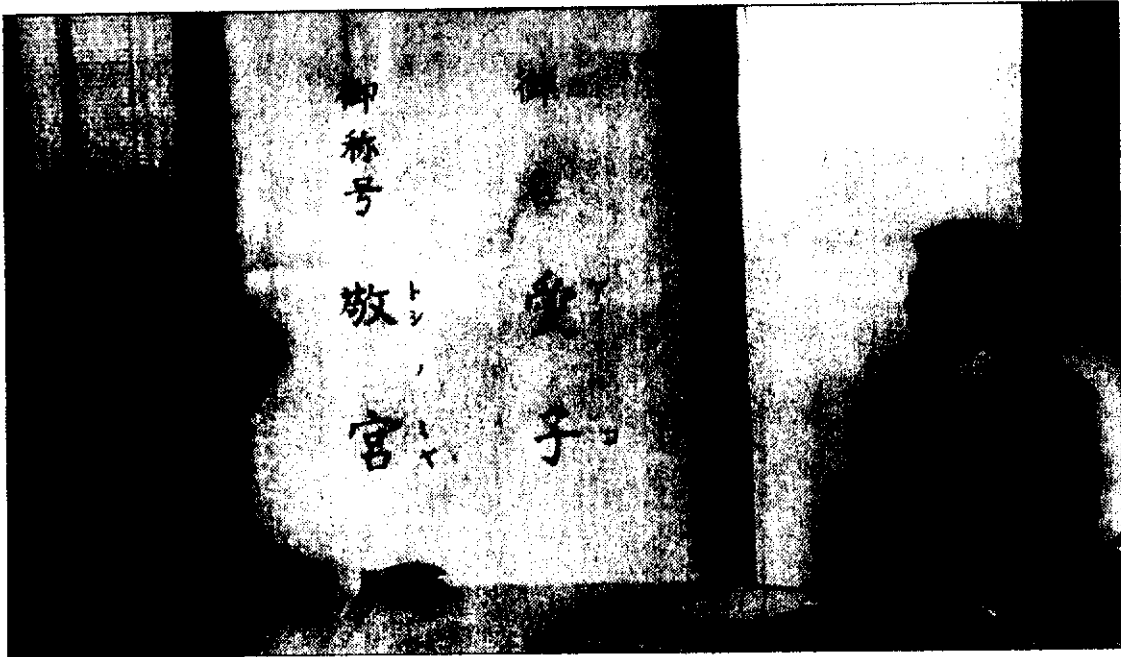
● از چپ به راست: نخست‌وزیر - ولیعهد - رئیس مجلس عالی ژاپن و مقابل آنها، پشت به دوربین، رئیس مجلس ملی و رئیس دیوانعالی دادگستری در مراسم نامگذاری دختر نوزاد ولیعهد.

۶۷

اعضای خانواده سلطنتی ژاپن دارای سند سجلی خاصی اند که کوتوفو Kotofu خوانده می‌شود، و توشی ئو یوواسا Toshio Yowasa رئیس کل تشریفات دربار ژاپن گفت که نام و عنوان شاهزاده خانم کوچک را در این دفتر ثبت خواهد کرد.

در آئین نامگذاری نو رسیدگان خاندان پادشاهی ژاپن که می‌می - نو - گی - Meimei - no - Gi خوانده می‌شود، رأی امپراتور در تأیید نام و عنوان نوه نوزاد او به ولیعهد ژاپن، پدر نوزاد، رسانده شد. رئیس کل تشریفات دربار که مأمور ابلاغ این رأی شاهانه بود، دو برگ کاغذ ژاپنی را که بر یکی نام و بر دیگری عنوان شاهدخت تازه به دنیا آمده به خط خوش نگاشته شده بود به رئیس کل دربار رساند، و او به نوبه خود این برگها را به رئیس دفتر ولیعهد تسلیم کرد. همزمان، نخست‌وزیر ژاپن همراه نمایندگان دو قوه دیگر از قوای سه گانه (رؤسای دو مجلس ژاپن و رئیس دیوانعالی دادگستری) در مراسمی در کاخ ولیعهد حاضر شدند و تولد نخستین فرزند وی و نیز نامگذاری او را تبریک گفتند. پس از تأیید شدن این اسامی از سوی ولیعهد، ندیمه همسر او این برگها را به بیمارستان دربار که عضو تازه خاندان سلطنت در آنجا به دنیا آمده بود برد و آنرا کنار بستر این نوزاد گذاشت، و بدینسان تشریفات نامگذاری به پایان آمد.

برابر گزارشهای رسانه‌های جمعی ژاپن، نام داده شده به نخستین فرزند ولیعهد، آیکو یا مهرزاد، مورد پسند بسیاری از مردم این کشور واقع شده است. عنوان مقامی این نوزاد، توشی -



● مراسم رونمایی نام داده شده به دختر نوزاد ولیعهد ژاپن. ردیف راست از بالا به پائین با نشانه‌های مفهوم نگار چینی - ژاپنی «نام کوچک: آی گو»، و ردیف چپ «عنوان تشریفاتی (مقامی یا احترامی): توشی - نو - می یا» خوانده می‌شود.

نو - می یا، هم مرکب از «توشی» به معنی احترام و نومی یا به معنی شهزاده یا شهذخت (که دنبال عنوان همه اعضای خاندان سلطنت می‌آید)، و «نو» هم برای پیوستن دو جزء نام است و حکم «اضافه» را در دستور فارسی دارد. این نام مرکب «شاهزاده صاحب احترام» معنی می‌دهد. با حسن قبولی که مردم نشان دادند پیش‌بینی شد که بسیاری از پدر و مادرها ازین پس نام آیکو یا توشی کو را روی نوزاد دخترشان بگذرانند. گفتنی است که در سالهای دهه ۱۹۶۰ پس از عروسی پادشاه کنونی و ولیعهد آنروز ژاپن با دختری از غیر خانواده سلطنت، که در آنروزگار سنت شکنی بود، و با محبوبیت فراوان که همسر ولیعهد یافته بود، بسیاری از مردم نام او، میچیکو، را روی نوزاد دخترشان گذاشتند؛ به اندازه‌ای که اینروزها، با شنیدن این نام می‌توان حدود سن و سال خانم صاحب نام را دریافت.

شماری از مردم گفته‌اند که برگزیدن نامی از ترکیب مهر یا عشق برای نوزاد خاندان سلطنت بسیار بجاست، بخصوص در این زمانه پرخشونت و پرخاش. بسیاری از مردم نیز لفظ و آهنگ این نام را دوست می‌دارند. «آی» یا «آیکو» نامی رایج برای دختران نزد فرهیختگان ژاپنی بوده، و این نام با گذشت ایام همچنان پرخواستار مانده است. یکی از مقامهای دربار ژاپن گفت که بهره‌ای از اثر منزبوس که این نام از آن گرفته شده در بیان اهمیت فضیلت‌ها و مبادی اخلاقی و احترام و محبتی است که مردم در دل خود نسبت به دیگران می‌پرورند. وی افزود که ولیعهد و همسرش

این نام را برگزیدند تا رهنمودی باشد برای دخترشان در درک درست و عمیق اخلاق، احترام و محبت به دیگران که برای جامعه انسانی اهمیت نخستین را دارد. آثار منزویوس در قیاس با سخنان دیگر فلاسفه شرق فهمیدنش آسان است. هیتوشی تاکاهاشی Hitoshi Takahashi استاد فلسفه چین در دانشگاه دخترانه اوتسوما Otsuma نیز گفت که «آی» به معنی عشق و «کی» که قرائت دیگری از واژه مفهوم نگار «توشی» به معنی احترام است از آن بهره از سخنان منزویوس برگرفته شده که بیانگر اصولی است که فرمانروایان باید پیش چشم داشته باشند و دنبال کنند. او نیز این نامها را مانوس و مناسب دانست.

هیسانوری واکابایاشی Hisanoti Wakabayashi شهردار شهر موراکامی Murakami در ایالت نی‌ئی گاتا Niigata که خاستگاه خانواده پرنسس ماساکو همسر ولیعهد است، و در گوشه و کنار اینجا با برگزار شدن مجالس موسیقی و پذیرایی یا ارزان فروختن کالا در بازارها نشانه‌های سورو سرور پیدا بود، با اظهار خوشحالی از انتخاب این نام زیبا و برازنده برای فرزند ولیعهد گفت که مردم موراکامی آرزو دارند که این شاهدخت کوچک با همان قوت و سرزندگی آزاد ماهی که در رودخانه میان این شهر، میوموتوگاوا Miomotogawa، به سوی بالارود شنا می‌کند، بخوبی و تندرستی رشد کند و بالنده شود. مردم ژاپن آزاد ماهی را که هر سال در فصل باروری به سوی بالارود شنا می‌کند و با نیرویی شگفتی‌آور از سرریز آبشارها هم می‌جهد و بالا می‌رود، نماد اراده و نیرو می‌شناسند؛ و در جشن پسران هم که هر سال در روز ۵ ماه ۵ برگزار می‌کنند با برافراشتن بیرق‌های رنگارنگ به نگاره آزاد ماهی آرزوی خود را برای تندرستی و سرزندگی و بالنده شدن پسران خردسال نشان می‌دهند. شهردار موراکامی نیز گفت که به دیدن پدر و مادر همسر ولیعهد خواهد رفت و یکدست چاپخوری با نقش نسترن، که این شهر به آن شناخته شده و نیز نشان رسمی پرنسس ماساکو است، به تبریک این تولد هدیه خواهد کرد.

از تشریفات دیگر جشن به دنیا آمدن این نوزاد مراسم نخستین استحمام او در تشتی از چوب سرو، که آئین یوکوتو - نو - گی Yokuto - no - Go خوانده می‌شود، در همان روز نامگذاری بود. برابر این آئین، در حالی که نوزاد را برای حمام کردن می‌آوردند و در میان آن، یکی از ادبای ژاپن به نام کوتا کوداما Kota Kodama رئیس پیشین دانشگاه گاکو شوئین Gakushuin که بیش از ۹۰ سال دارد، بیرون اتاق جای گرفته و بهره‌ای از تاریخنامه قدیم ژاپن را در وصف ملکه سوئیکو Suiko (سی و سومین امپراتور ژاپن که در سالهای ۵۹۲ تا ۶۲۸ بر تخت بود)، می‌خواند. این داستان مناسب این مراسم دانسته شده بود. کتاب بیست و دوم نیهونگی Nihongi (یا، نیهون شوکی Nihon - shoki)، نخستین تاریخنامه ژاپن که در سال ۷۲۰ م. فراهم شد، در شرح رویدادهای دوره پادشاهی سوئیکو است، و در آن میان چندین قطعه ادبی زیبا نقل شده است.

اکنون که پس از سالها انتظار نخستین فرزند حاصل همسری ولیعهد ژاپن با پرنسس ماساکو، که میان مردم دوستدار فراوان دارد، دختر به دنیا آمده، این سخن مطرح شده که بهتر است هر چه زودتر راه قانونی برای برنشستن یکی از اولاد اناث امپراتور به تخت پادشاهی ژاپن هموار شود. برابر قانون اساسی کنونی ژاپن ارشد فرزندان ذکور پادشاه جانشین او می‌شود. در نظرگیری تازه، در اواخر ماه مارس ۲۰۰۲، نزدیک ۶۰ درصد پاسخ دهندگان ژاپنی، به هر ملاحظه، با فکر اصلاح قانون اسای نظر موافق نشان داده‌اند.

برای نخستین بار یکی از اعضای خاندان سلطنت، پرنسس تاکاماتسو، Takamatsu، همسر برادر در گذشته امپراتور فقید ژاپن، شووا Showa، سکوت را کنار نهاد و در مقاله‌ای دو صفحه‌ای در مجله فوجین - کورون Fujin - Koron (دیدگاه بانوان)، در شماره ۷ ژانویه ۲۰۰۲ آن، حمایت خود را از جانشینی دختری برای تخت فرزند آفتاب آشکار ساخت؛ هر چند که تصریح کرد که کارشناسان حقوقی باید با نهایت دقت و احتیاط این مهم را از جوانب گوناگون بررسی کنند. به سخن او: «نظر به سابقه دیرین تاریخی، پیش‌بینی شدنی است که دختری از خاندان سلطنت در جای یکصد و بیست و هفتمین امپراتور ژاپن (پس از پادشاه کنونی و ولیعهد وی) برنشیند.»

در این چند ساله بحث بر سر جانشینی دختری بر تخت سرزمین خاستگاه خورشید بالا گرفته و هر چند که نظرهای موافق و مخالف در میان آمده است، اما آراء آرام آرام در سوی یافتن راه و تدبیری که با سنت و پندارهای تاریخی سازگار باشد به پیش می‌رود. بالاترین دغدغه سنت‌گرایان اینست که نمی‌توان رشته توارث خاندان پادشاهی را، که بر این باورند که در گذر بیش از دو هزار و پانصد سال در یک خون و یک خاندان تداوم داشته است، گسست.

۲۳۲ - نامه استاد کاتسو فوجی

نامه‌های استاد تاکه‌شی کاتسو فوجی ایرانشناس فارسی‌دان صاحب‌دل و نیز محقق تاریخ و ادب چین که چند تایی از آنرا در این یادداشتها آورده‌ام، همیشه دلنشین و پر نکته و محتواست. در نامه تازه‌ای که تاریخ ایرانی دارد (جمعه ۶ خرداد ۱۳۸۴) و به دنبال جلسه امسال انجمن ایرانشناسی ژاپن که نیمه فروردین برگزار شد برایم رسید، از برنامه تحقیق خود پس از فراغت از تدریس در دانشگاه در هفتاد و چهار سالگی سخن گفته، و نوشته‌اند:

«سلام عرض می‌کنم. نامه مورخ هشتم مه برایم رسید. مانند همیشه پر از دوستی و محبت می‌باشد.»

«ترجمه بفارسی از شعر چینی سروده دکتر جونی جیما را هم خواندم. تایپ از اصل شعر و حواشی کوچکم ضمیمه است.»

«از فوتوکویی مجله «بخارا» خیلی متشکرم، که شامل نامه‌ام است. چرا «بخارا»؟ این شهر از حدود جمهوریت اسلامی ایران بیرون است. اما یکی از مراکز تمدن ایرانی بوده است. «حالا اینجانب که از مأموریت آزاد شده، دو تا برنامه در نظر دارم: یک - ترجمه به زبان ژاپنی از تحقیق پرارزشتان درباره تطبیق بین سعدی و کنکو در کتاب «گلستان ژاپنی».

دو - ترجمه بفارسی از یک داستان نوشته میازاواکنجی. به عقیده‌ام «دوستی شکارچی و خرسها» از همه جالبتر است. عنوان اصلی اش «خرس در کوه نامه توکو» Nametoko - Yama no Kuma (نامه توکو اسم کوه، معنی نامعلوم) است. خرسهای آنجا و یک شکارچی بنام کوچورو Kojuro با هم دوستی دارند. «در پایان، سلامتی و موفقیت آن استاد محترم را خواهانم.»

۲۳۳ - ماهی گرفتن با تور کاغذی

از سرگرمی‌ها و جاذبه‌های جشن‌های تابستانی ژاپن که در سراسر این کشور در ماههای میانه تابستان برگزار می‌شود. و تا پایان مراسم «بون» یا هفته زیارت اهل قبور در نیمه ماه ۸ فرنگی (اواخر مرداد) دنباله دارد، گرفتن ماهی قرمز با تورهای کاغذی است، که بخصوص کودکان از آن لذت می‌برند. در این سرگرمی که با مهارت و بخت آزمودن همراه است، مردمی که به جشنواره تابستان (بیشتر در معابد و زیارتگاهها یا باغهای عمومی) می‌روند در غرفه‌هایی که طرف غروب دایر می‌شود در برابر پول کمی تور کوچک ساخته شده از کاغذ ژاپنی بسیار لطیف و پیاله‌ای، می‌گیرند و کنار ظرف بزرگ آبی که ماهیهای کوچک قرمز در آن شناورند می‌نشینند، و هر تعداد ماهی که بتوانند تا سوراخ شدن یا در واقع محو شدن کاغذ این تور در آب بگیرند و در پیاله بیندازند مال آنها است. ماهی گرفتن با این تور کاغذی شگرد خاص دارد، و طرز نگاهداشتن و زاویه حرکت دادن آن در آب و تنظیم آن با جهت حرکت ماهی و سمت و سوی نشانیدن ماهی برتور و طرز بردن آن تا پیاله و انداختن ماهی در آن همه در توفیق ماهیگیر اثر دارد. چه بسا که با نخستین حرکت و تماس اول تور با ماهی قرمز پر جست و خیز، تور پاره می‌شود و پایان بازی است. کسانی هم هستند که با مهارت تمام دهها ماهی با یک تور می‌گیرند. در میانه تابستان مسابقه‌هایی هم برای سنجش توان و مهارت کودکان در این کار برگزار می‌شود، که از آنمیان یکی در محله ادوگاوا در توکیو است. سال پیش (۲۰۰۴) هشت مخزن بزرگ آب با ۲۵۰۰۰ ماهی از سه نوع برای این مسابقه آماده شده بود. ادوگاوا از مناطق عمده پرورش ماهی قرمز تزئینی در ژاپن است. در این جشنواره حدود ده هزار ماهی قرمز و طلایی از ۲۳ گونه متفاوت برای فروش

۲۳۴- رد پای بودا در ایران و غرب آسیا

کتابی در بررسی آثار قدیم بودایی موجود در ژاپن، از مقاله‌های ارائه شده در سمپوزیومی در بررسی مجموعه هنری اوئتانی و به همت پرفسور توء سوگی مورا Toe Sugimura منتشر شده است (بهار ۲۰۰۴) که نسخه‌ای از آن به لطف مؤلف و ناشر بتازگی برابم رسید.

این کتاب، «هوتوکه - نو - کیتا - میچی» (مسیری که بودا طی کرد؛ انتقال آثار فرهنگی از مسیر جاده ابریشم به ژاپن) حاصل تحقیق‌های دقیق و عالمانه‌ای است در پی جویی منشأ آثار بودایی محفوظ در این مجموعه، مرکب از تندیس‌ها، پرده نگاشته‌ها، و اسناد و متون بودایی که در عرصه‌های فرهنگی خاک اصلی آسیا ساخته یا یافته شده و به ژاپن راه پیدا کرده است. ازین میان است مقاله خانم سوزانا گولاچی Zsuzanna Gulacsi از دانشگاه آریزونای شمالی Northern Arizona درباره چهره‌ای از بودا در میان آثار مکتوب هنر مانوی یافته شده در تورفان. آثار بازمانده بودایی در منطقه فرهنگی خراسان بزرگ برای ژاپنی‌ها توجه برانگیز بوده است. در نامه احوالپرسی تابستانی که تیر ماه امسال (۱۳۸۴) از استاد توء سوگی مورا برابم رسید، از طرح تحقیقی تازه‌ای در ین زمینه آگاهی داده و نوشته‌اند که، برای نمونه، روستاهای بسیار در خراسان نوبهار یا هار نام دارد، که نشانه تأثیر و گستردگی آیین بودا در روزگاران پیش درین پهنه است.

«نوبهار نام معبدی بودایی در بلخ بود که خاندان برمکی تولیت آنرا داشتند. این معبد اراضی وسیع و موقوفات بسیار داشت. در اواخر قرن اول اسلامی برمکیان به اسلام گرویدند، و بعدها در دربار خلفای عباسی به وزارت رسیدند. بعضی گفته‌اند که نوبهار نام آتشکده بلخ است، چنانکه در گشتاسب نامه دقیقی آمده است:

چو گشتاسب را داد لهراسب تخت	فرود آمد از تخت و بر بست رخت
به بلخ گزین شد، بر آن «نوبهار»	که یزدان پرستان آن روزگار
مر آن خانه را داشتندی چنان	که مر مگه را تازیان این زمان»

(معین، فرهنگ فارسی، اعلام)

آقای پرفسور سوگی مورا، که بهار امسال در هفتاد سالگی از کار تدریس در دانشگاه ربوکوکو در ایالت شیگا کناره گرفته، نوشته است که درین طرح تحقیق آثار بازمانده از گسترش فرهنگ و هنر بودایی در غرب آسیا شرکت خواهد جست. این طرح پی جویی بقایای آثار بودایی در غرب آسیا است، و درین مرحله به آبادیها و روستاهایی می‌پردازد که نام تاریخی نوبهار دارد. نگارنده با



仏の来た道

シルクロードの文物

龍谷大学

大谷探検隊二〇〇周年記念事業委員会「企画」

杉村棟・徐光輝「編」

72

東方出版

● 第1巻「胡托克」 - 第2巻「キタミチ」 (مسیری که بودا طی کرد)

مراجعه به فرهنگ آبادیها و مکانهای مذهبی کشور (به کوشش دکتر محمدحسین پاپلی یزدی، نشر آستانقدس، ۱۳۶۷، ص. ۵۶۶) دید که ۲۳ مزرعه و آبادی در شرق ایران، بیشتر در خراسان، «نوبهار» نامیده می شود:

فرهنگ آبادیها و مکانهای مذهبی کشور

نام آبادی	نام شهرستان	عرض جغرافیایی		طول جغرافیایی		ارتفاع به متر از سطح دریا
		درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	
نوبهار (مزرعه)	اصفهان	۵۰	۳۲	۲۴	۵۲	۲۲۴۰
نوبهار	باخرز	۵۵	۳۴	۲۱	۶۰	۱۳۰۵
نوبهار	باخرز	۰۰	۳۵	۱۸	۶۰	۱۲۷۵
نوبهار	بیجار	۴۸	۳۵	۱۲	۴۷	۱۹۰۰
نوبهار	تربت حیدریه	۱۷	۳۵	۱۴	۵۹	۱۳۸۰
نوبهار	تربت حیدریه	۳۹	۳۵	۱۱	۵۹	۱۶۳۸
نوبهار	تربت حیدریه	۴۳	۳۴	۵۳	۵۹	۱۰۰۰
نوبهار (مزرعه)	تربت حیدریه	۳۶	۳۵	۵۸	۵۸	۱۷۵۰
نوبهار	تفرش	۴۷	۳۴	۵۰	۴۹	۱۶۵۰
نوبهار	رفسنجان	۲۶	۳۰	۰۶	۵۶	۱۵۵۰
نوبهار (مزرعه)	سبزوار	۲۷	۳۶	۵۲	۵۷	۱۲۲۳
نوبهار	سبزوار	۵۷	۳۵	۰۸	۱۱۰۸	۱۱۰۸
نوبهار	سقز	۲۲	۳۶	۲۵	۴۶	۱۶۲۰
نوبهار	سنندج	۱۳	۳۶	۰۶	۴۷	۲۱۳۰
نوبهار	فردوس	۰۰	۳۴	۳۳	۵۸	۲۰۲۰
نوبهار (مزرعه)	گناباد	۳۱	۳۴	۵۶	۵۷	۱۱۵۰
نوبهار	مشهد	۳۵	۳۶	۱۳	۳۹	۱۱۵۰
نوبهار	نائین	۵۶	۳۲	۴۵	۵۲	۱۹۹۰
نوبهار	نیشابور	۵۹	۳۵	۰۷	۵۹	۱۲۲۵
نوبهار	نیشابور	۰۹	۳۶	۵۲	۵۸	۱۲۰۳
نوبهار	نیشابور	۰۵	۳۶	۵۷	۵۸	۱۲۲۰
نوبهار غلامخانه	مشهد	۰۱	۳۵	۱۵	۶۰	
نوبهار میان آباد	نیشابور	۰۷	۳۶	۵۵	۵۸	

۲۳۵ - اگر با معذرت درست می‌شود، پس: ببخشید!

در گرماگرم رسوایی‌های مالی و سیاسی که هر چند یکبار پیدا می‌آید یا بالا می‌گیرد، چند سال پیش در گزارشی کوتاه در روزنامه عصر ژاپن زیر عنوان: وقتی که ژاپنی می‌گوید «عذر می‌خواهم!» معنیش چیست؟ آمده بود: در بیشتر کشورها، اگر کسی کاری نابجا بکند عذر می‌خواهد و سپس به اصلاح کار و جبران آن برمی‌آید؛ حال آنکه در ژاپن بیشتر وقت‌ها چنین می‌نماید که همان گفتن «ببخشید!» کافی است. هیده‌تو یاماشیتا از محققان پژوهشکده فرهنگ زبان ژاپنی می‌گوید: «رویه ژاپنی‌ها اینست که به ملاحظه ظاهر و قالب کار عذرخواهی می‌کنند. اکثراً نمی‌توان گفت که عذر خواستن نشانه پذیرفتن این باشد که کاری نابجا شده است.» در میان موج بحرانهای مالی آغاز دهه ۱۹۹۰، عذرخواهی مؤسسه‌های مالی و بانکهای دست‌اندرکار بیشتر قالبی و به عبارت زیر بود: «ازینکه خاطر مردم وضع بازار را مشوب کرده‌ایم پوزش می‌خواهیم!» شماری از مدیران این دستگاهها با حرکتی نمایشی از مقام خود استعفا کردند، اما در مقام «رایزن» و با حقوق بالا در همان دستگاه ماندند. کمتر کسی از ناظران صداقت آنانرا باور داشت، یا آنرا نشانه پایان سوء جریان گسترده در دنیای کسب و کار می‌دانست. بازتاب مقامهای بالای حکومت هم که مسؤول نظارت بر دستگاههای مالی اند عاری از صراحت و صداقت بود، چنانکه وزیر مالیه وقت که با قبول قصور دستگاه خود استعفا کرد چندی بعد در مقام نخست وزیر به عرصه سیاست بازگشت.

نمونه‌ای دیگر، رفتار سیاستمداران در برابر احساس و خواست کشورهای نزدیک ژاپن برای عذرخواهی رفتار ناروایی است که از دولت و لشکریان در سالهای مقارن و میان جنگ جهانی دوم سر زد. عذرخواهی‌های ناگزیر به زبان و عبارتی کلی و به اصطلاح به صیغه مجهول برگزار می‌شود. ازین نمونه است سخنان توشیکی کایفو نخست‌وزیر در سالهای ۱۸۸۹ تا ۱۹۹۱: «براستی تأسفانگیز است که بر اثر جنگ جهانی دوم مناسبات دوستی دیرین میان ژاپن و هلند بناچار تیره شد و بسیاری از اتباع هلند گرفتار رنج و اندوه تحمل ناپذیر شدند.» چنین پیامهای حساب شده‌ای، به ملاحظه خاطر محافظه‌کاران قدرتمند در کشور، کمتر می‌تواند خاطره‌های تلخ تاریخی را از ذهن رنج دیدگان بزدايد.

سیاستمداران گهگاه حرفی نابجا و برخوردارنده، از روی لغزش زبان یا حساب شده، می‌زنند که جنجال‌برانگیز است. عذرخواهی اینان هم، اگر ناگزیر به آن شوند، برای دفع شر است. چند سالی پیشتر وزیر دادگستری در دیدار از محله‌ای مرکز عشترتگاهها در توکیو گفته بود: وقتی زنان خودفروش خارجی در اینجا گرد آیند، پیداست که مردم آبرودار نقل مکان می‌کنند؛ درست همانطور که وقتی سیاهان در امریکا در محله‌ای مسکن می‌گیرند، دیگران از آنجا می‌روند. این

وزیر هم در برابر موج خشم و اعتراض امریکاییان ناچار به چنان عذرخواهی شد. به گفته یاماشیتا «ژاپنی‌ها آسانتر از اقوام دیگر زبان به عذرخواهی می‌گشایند، چرا که فرهنگ آنها بر تعامل و تعادل در روابط انسانی تأکید دارد. ازینرو عذرخواستشان کاری از سر توجه و دلسوزی نسبت به دیگران است، نه تنبّه و پذیرفتن خطای خود.» به گفته کسان دیگر از محققان، از آنجا که این عذرخواهی‌ها لزوماً به معنی جبران کار و رفتار نابجا نیست، تأکید آنها درین بیان بیشتر بر الفاظ است تا بر محتوا. چنین است که عذرخواهی‌ها، که در محیط و روابط داخلی و ملی معتاد و مرسوم است، در روابط با دیگران بیشتر مایه سوء تفاهم می‌شود تا رفع و رجوع قضیه و حل مسأله.

۲۳۶ - ادغام شهرها

دولت ژاپن طرحی برای کارآمدتر کردن اداره شهرها دارد که برابر آن شمار شهرداریها از بیش از ۳۲۰۰ واحد کنونی به حدود ۱۸۰۰ خواهد رسید. شهرداریها (که اداره مستقیم واحدهای انتظامی، رفاهی، درمانی و بسیاری خدمات شهری دیگر با آنهاست) قدرت بسیار دارند، اما دچار بحران مالی و نارسایی مدیریت‌اند. مردم هر محل تمایلی طبیعی دارند که اداره شهرشان مستقل باشد؛ اما شهرداریهای کوچک نمی‌توانند از اسراف و دوباره کاری در طرحهای عمرانی برکنار باشند؛ یا که اگر واحدهای صنعتی و تجاری پولساز - که مالیات بر آنها از منابع عمده درآمد شهرداریها است - در محل نباشد، در تأمین بودجه خود در می‌مانند. نظام نوین اداره شهرها درین مرز و بوم تاریخی بلند دارد، اما به تناسب تغییر احوال اجتماعی و اقتصادی تحول پیوسته در آن ناگزیر است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲۳۷ - سفر بر خلیج فارس در آغاز جنگ دوم

یکی از دیپلماتهای ژاپنی مأمور در ایران در سالهای حدود ۱۳۲۰ / ۱۹۴۱ م که با درگرفتن جنگ جهانی و نزدیک آمدن بحران همراه انبوهی از هم میهنان خود از راه دریا به ژاپن باز می‌گشته، خاطرات سفر خود را در کتابی ساده و مختصر با عنوان «خلیج فارس» (پروژشیا وان) به چاپ رسانده است (توکیو، ۱۹۴۴)، که نکته‌هایی خواندنی بخصوص در بیان حال و احساس نویسنده دارد. گزارش فارسی این سفرنامه کوتاه را در برنامه کارم دارم، اما در این فرصت معرفی‌ای را که خانم هیتو می اوکامورا از دانشجویان ژاپنی بخش ایرانشناسی دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا ازین کتاب نوشته است در اینجا می‌آورم:

«نویسنده این کتاب در ایران با سمت دیپلمات کار می‌کرد، و (مقارن قطع روابط میان ایران و

ペルシヤ湾



機

● روی جلد «خلیج فارس» (پروشیانوان)، سفرنامه دیپلمات ژاپنی

ژاپن) روز ۱۳ اکتبر ۱۹۴۰ در خلیج فارس به کشتی‌ای که اتباع ژاپن را از ایران تخلیه می‌کرد نشست و روانه ژاپن شد. در این سفر چهل و دو روزه دریایی و همراه صدها ژاپنی که از ایران بناچار روانه شده بودند، مسیری طولانی پیمود، و کشتی آنها پس از عبور از بنادر مونباسا، بمبئی و رانگون، روز ۲۴ نوامبر آنسال به بندر یوکوهاما در ژاپن رسید. این کتاب شرح دیده‌ها و شنیده‌ها و احوال و احساس نویسنده در این چهل و دو روز سفر دریا است؛ اما بخشی از آن به موقع ژاپن در جهان با نمونه روابط این کشور با ایران پرداخته، و نوشته است:

«ژاپن در سالهای جنگ جهانی اول فرصت را برای به دست آوردن بازار جهانی مفتنم یافت، و ساخته‌های زیان‌آور و ناقص خود را به کشورهای دیگر صادر کرد. اما پس از بازگشتن صلح و آرامی به جهان، آمریکا و انگلیس - هراسان از توسعه بازار و موازی آن قدرت گرفتن هر چه بیشتر ژاپن - به مانع تراشی در راه صدور این کالاها برآمدند، و در تبلیغ نامرغوبی ساخته‌های ژاپن و توصیف کیفیت برتر کالاهای خود کوشیدند. در آن سالها شناخت ایرانیان از ژاپن فقط به اعتبار کالای ژاپنی بود، و پیشرفت و قدرت ملی ژاپن را با دیدن این ساخته‌ها برآورد می‌کردند. شتاب و بیقراری ژاپن برای درآمدن در جرگه کشورهای درجه یک، دست کم از نظر صنعتی، در این حال و هوا احساس می‌شود.

«نویسنده این کتاب که در آن سالها کار و فعالیت دیپلمات داشت، شاید که بیشتر از دیگر هم

میهنان خود در شوق و تمناى برآمدن ژاپن بود. پیشرفت شگفتی که ژاپن در فاصله این پنجاه سال گذشته کرده شوق برانگیز است.»

گفتنی است که با اشغال شدن کشورمان با نیروهای متفقین، ایران در روز ۲۲ آوریل ۱۹۴۲ (۳ اردیبهشت ۱۳۲۱) قطع روابط دیپلماتیک با ژاپن را اعلام کرد و باقیمانده دیپلماتهای ژاپنی از راه روسیه به میهنشان بازگشتند.

۲۳۸ - آتش نشانان اِدو

آتش نشانان توکیو برای چابکی و مهارت خود مشهور بوده و از دوره اِدو (سالهای ۱۶۰۳ تا ۱۸۶۸) و پیش از عصر تجدد ژاپن نیز صنف و رسم و راه خود را داشته‌اند، و شاید بتوان آنرا قدیم‌ترین گروه منسجم و شبه نظامی امداد رسانی شهری دانست. با خانه‌های چوبین و نئین، آتش همیشه تهدیدی برای زندگی و جان مردم ژاپن بوده است، و یکی از مثل‌های رایج می‌گوید که ژاپنی از چهار چیز می‌ترسد: رعد، آتش، زمین لرزه و پدر. آتش نشانان به گونه‌ای سازمان داده شده و آموزش دیده‌اند که بتوانند هنگام پیش آمدن بلا، بخصوص آتش سوزی و زلزله، به یاری مردم بشتابند. در روزگار اِدو گروه‌های متعدد آتش نشانان پایتخت با هم رقابت داشتند، و پس از در گرفتن آتش در محله‌ای هر دسته آتش نشان که زودتر آنجا می‌رسید و علامت یا «موتوی» خود را بر زمین می‌کوبید، کار و افتخار خاموش کردن آتش را از آن خود می‌ساخت. هنوز هم آتش نشانان توکیو سالی یک بار، در نوروز، مراسمی دارند و مهارت‌های خود را در برابر انبوه مردم و دعوت شدگان از مقامهای داخلی و دیپلماتهای خارجی به نمایش می‌گذارند. از بخش‌های دیدنی این مراسم بندبازی بالای نردبانهای بلند خیزران است که آتش نشانان در آن مهارتی شگفتی انگیز دارند.

۷۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی

۲۳۹ - بزرگداشت پرفسور کورویاناگی

بخلاف رسم بزرگداشت نام آوران و گمنامان گذشته و حال که اینروزها در سرزمین ما سخت رایج و همه جاگیر شده است و روزی نمی‌گذرد که چند مجلس تجلیل دست و دل بازانه برای زندگان و مردگان در گوشه و کنار مرز پُرگهر بر پا نباشد، در سرزمین آفتاب هر کس سرگرم کار خود است. استادانی که به بازنشستگی می‌رسند، ساعت آخرین جلسه درسشان را دانشگاه اعلام می‌کند، و چند نفری که وقت و حوصله داشته باشند می‌روند و پای سخن آخر استاد در کلاس می‌نشینند. برای بزرگان تدریس و تحقیق که کار و آثارشان برجسته باشد، جشن نامه یا یادنامه‌ای از سوی دوستان و شاگردان تدوین و منتشر می‌شود که هزینه انتشار آنرا هم بیشتر

● یادگار مجلس بزرگداشت استاد نسوئوکورو یاناگی در دانشگاه مطالعات خارجی توپو از راست: اونه کی از فارغ التحصیلان، هاشم رجبزاده، کاماتا استاد دانشگاه توکیو، هاچی نوشی، خانم زهرا طاهری و فوجی نی استادان دانشگاه مطالعات خارجی توکیو، آقای ساکت همسر خانم دکتر زهرا طاهری.

黒柳昌男先生の寂寥を祝う会

2003年7月9日(土)
東京外国語大学相模原キャンパス



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقاله دهندگان می‌پردازند، و کمتر می‌شود که از بودجه دستگاه و دانشگاهی یادنامه چاپ کنند. البته هر ساله به عده‌ای انگشت شمار از محققان که در رشته خود سرآمد اقران و منشأ آثار ماندگار شده باشند مدال و نشان داده می‌شود، که والاترین این امتیازها شناخته شدن به عنوان «میراث فرهنگی زنده» و گرفتن مدال و نشان از امپراتور است. بتازگی استاد تسونو کورویاناگی ایران پژوه نامور ژاپنی که عمری را در تحقیق زبان فارسی گذرانده است به این امتیاز نائل آمد، و بویژه در تقدیر کار سترگ تألیف فرهنگهای فارسی به ژاپنی و ژاپنی به فارسی نشان امپراتوری به وی اعطا شد.

در تجلیل استاد کورویاناگی و بخصوص تبریک این افتخار تازه او، شاگردانش - که بسیاری از آنها اکنون کرسی تدریس و تحقیق در دانشگاهها و پژوهشگاههای معتبر ژاپن دارند - مجلسی در روز شنبه ۹ ماه ژوئیه (۱۸ تیر ماه ۱۳۸۴) به هزینه میهمانان و در تالار پذیرایی دانشگاه مطالعات خارجی توکیو آراستند. این مجلس فرصتی هم بود برای گرد هم آمدن دانش آموختگان دانشگاه توکیو و دانشگاه مطالعات خارجی توکیو در چهل ساله گذشته، و محفل انسی برای دیدار هم کلاسهای قدیم پس از دهها سال. دانش آموختگان همه با خانواده‌هاشان دعوت شده بودند، و همشاگردیهای سالهای پیش همه فرزندانیشان را، از کودک خردسال تا نوجوان بار آمده و دانشگاه دیده، همراه آورده بودند؛ و این تدبیر و ترکیب حال و هوایی صمیمی و دلپذیر به مجلس داده بود. همه کارهای فراوان برگزاری این میهمانی و مراسم را دانشجویان پیشین دانشگاه مطالعات خارجی توکیو، که بیشترشان امروزه در جایگاههای مؤثر در بخش‌های فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی جامعه ژاپن فعالند، میان خود تقسیم کرده بودند؛ و بخش ایرانشناسی این دانشگاه نیز همه دانشجویان کنونی را برای بهتر برگزار شدن مراسم و راهنمایی میهمانان بسیج کرده بود. برای این نگارنده نیز فرصتی مغتنم بود که سوای مشارکت در بزرگداشت و نیز تجدید ملاقات با استاد کورویاناگی، پس از بیش از بیست سال دیداری با دانشجویان دانشگاه مطالعات خارجی توکیو در سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵ که همکار آموزشی استاد کورویاناگی در این دانشگاه بود - تازه کند.

می‌گویند یکی از خوشبختی‌های انسان اینست که سختی‌ها می‌گذرد و رفته رفته از یاد می‌رود و خاطره‌های شیرین و دلپذیر در دل و جان زنده می‌ماند. اگر چنین نبود، زندگی محنت‌سرایبی تحمل‌ناپذیر می‌شد.

۲۴۰ - روی یخ بنویس

در روزهای داغ و مرطوب تابستان ژاپن که چه دقیقه ماندن در هوای بیرون خانه هم طاقت‌فرسا است، بازار برفک یا پالوده ژاپنی سخت رونق دارد. این برفک را از قالبهای یخ

می تراشند و در کاسه‌ای شیشه‌ای روی هم انبوه می‌کنند و روی آنهم قاشقی شربت رنگین (سبز و بنفش و سرخ) می‌ریزند و به دست مشتری می‌دهند. در جشنواره‌های تابستانی، «گاکیگوری» غرفه‌های خاص و پرمشتری دارد و دوره گردان هم بساط خود را بر وانت کوچکی در گوشه و کنار می‌گسترند.

در یکی از جشنواره‌ها دیدم که با ماشین یخ تراش پالوده برفک یا گاکسی گوری درست می‌کردند، و کنار این غرفه هم یک نقاش پُست مدرن بساط هنرش را پهن کرده بود. روی قالب‌های بلند و مکعب شکل یخ شربت‌های رنگین می‌ریخت و کاغذی را روی سطح یخ می‌گذاشت و بر می‌داشت؛ نقش و نگار روی کاغذ افتاده و اثر هنری پدید آمده بود. در کنارش دورنمایی زیبا از افق دریا قاب شده بود که به همین شیوه ساخته بود، با ترکیب چند رنگ متناسب. این پدیده تازه باید برای آنهایی که بدهی‌هاشان را برابر مثل معروف فارسی روی یخ می‌نویسند نگران‌کننده باشد.

۲۴۱ - چرا فارسی می‌خوانم

هر سال از دانشجویانم در سال دوم فارسی خوانیشان می‌خواهم بنویسند که چرا رشته فارسی را برای تحصیل دانشگاهی خود انتخاب کرده‌اند. پاسخ‌هاشان گهگاه حاوی نکته و توجیهی گیراست. یکی از این پاسخ‌ها را که خانم ساکورا تومی کاوا چند سالی پیش نوشته است در اینجا می‌آورم:

«از وقتی که شاگرد دبستان بودم سرزمین‌های چین و عربستان را دوست داشتم، اما دانشم درباره اینجاها اندک بود. فکر می‌کردم که فارسی و عربی یک زبان است. اما وقتی که در دبیرستان بودم یک کتاب خریدم، نوشته یوشی کی تاناکا. او از نویسندگانی است که دوست داشتم، و نام این کتاب «داستان جنگ‌های ارسلان» است. یوشی کی تاناکا در این کتاب نوشته است که این کتاب حال و هوای سده‌های میانه ایران را دارد. حالا که دوباره آن را می‌خوانم می‌توانم کمی خطاها (تفاوت با حقایق تاریخی) پیدا کنم. اما بار نخست که داستان جنگ‌های ارسلان را خواندم، از آن خوشم آمد. آن داستان پُر از نامهای فارسی است، و این نامها به گوشم خیلی جالب و قشنگ می‌آمد. حالا فکر می‌کنم که شاید که یوشی کی تاناکا از کتاب شاهنامه بیش از همه نمونه و الهام گرفته است. قشنگترین اسم در این داستانها برایم فرنگیس است. در داستان، او زین کاهنه است (یوشی کی تاناکا، با الفبای آوانگار ژاپنی، «کاهینا» نوشته است) دیگر، نام شاهین را دوست دارم. ارسلان پسر شاه فارس است، و با یک شاهین به نام عزرائیل، دوست است. پس از آن فکر می‌کردم که اگر بتوانم به دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا وارد بشوم، زبان چینی یا فارسی بخوانم. چینی برای اینکه داستانهای چین قدیم را خیلی دوست دارم. اما اگر به رشته

چینی می‌رفتم، باید ادبیات امروز چین را می‌خواندم، و آثار تازه ادب چین برایم جالب نیست. دیگر اینکه، راستش، آهنگ زبان چینی به گوشم چندان دلنشین نمی‌آمد. دیگر اینکه در کتاب معرفی رشته‌های این دانشگاه عکس استاد رشته فارسی آمده که خیلی خوب است. (پس رشته فارسی را برگزیدم.)»

۲۴۲ - اسکناسهای تازه

روز ۱ نوامبر سال ۲۰۰۴ اسکناسهای تازه هزار، پنج هزار و ده هزار ینی از سوی بانک مرکزی ژاپن منتشر شد. مردم مشتاق برای دریافت پولهای نو با نقش و نمای تازه به بانکها رفتند، اما گویا دو سال طول خواهد کشید تا ماشین‌های فروش خودکار را، که میلیونها از آن در سراسر ژاپن برای فروش بلیت قطار، نوشیدنی خنک و حتی غذای گرم در هر کوی و گذر و کنار هر ساختمان جای دارد تعویض یا تنظیم کنند تا بتواند این اسکناسها را قبول کند.

روی اسکناس تازه هزار ینی تصویر نوگوچی، نخستین برنده ژاپنی جایزه نوبل، و روی اسکناس پنج هزار ینی چهره کیکوچی، از زنان نویسنده، نقش شده است. کسی می‌گفت که کیکوچی در زندگیش فقیر بود و همه عمر را با ناداری گذراند، و آوردن تصویر او روی اسکناس بیشتر به طنز می‌ماند. با یک خواننده معروف هم که آوازی به یاد کیکوچی خوانده است مصاحبه‌ای شد.

نوه ناتسوومه سوسه کی نویسنده پرآوازه (۱۸۶۷ تا ۱۹۱۶) که اسکناسهای قدیم هزار ینی به نیم رخ او مزین است، در مصاحبه گفت که روح پدربزرگش از آمدن تصویر او روی اسکناس ناراحت و آزرده بود، و حالا آسوده می‌شود که آنرا برداشتند و اکنون نوبت دیگران است که این وظیفه را بر عهده بگیرند.

نخست وزیر ژاپن در بامداد روز نشر اسکناسهای تازه از خزانه بانک مرکزی دیدن کرد، و گفت که هرگز اینهمه پول را یکجا ندیده بود (در فرهنگ ژاپن، دست زدن به پول را ناپسند می‌دانند. اما داشتنش که البته بد نیست).

۴۲۳ - شوگی، شطرنج ژاپنی

تلویزیون ملی ژاپن، NHK، در اخبار سراسری شامگاه خود، جمعه ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۵، گزارشی درباره رقابتهای بازیکنان شوگی، شطرنج ژاپنی، پخش کرد. این سرگرمی یا ورزش فکری هم مانند هر چیز دیگر در سرزمین آفتاب تحت ضابطه سخت و دقیق در آمده است. کسانی که به آن علاقمند می‌شوند به تناسب و موازی پیشرفت مهارت خود در امتحانهای

گوناگون شرکت می‌کنند و مراحل را می‌گذرانند. بازیکنان غیر حرفه‌ای در ۶ رده یا بیشتر درجه‌بندی می‌شوند، و به بالاترین درجه که هر سال رقابت سختی برای آن در میان است فقط ۴ نفر می‌رسند که می‌توانند در امتحان دشوار حرفه‌ای شدن شرکت بکنند. بسیاری از جویندگان، کار یا تحصیل خود را رها می‌کنند؛ و خانواده‌شان نگران زندگی و معاش آنها هستند؛ اما اگر به مقام حرفه‌ای برسند و معروف شوند درآمد کلان دارند (شرکت در آگهی‌های تجاری، و از راه مصاحبه و مسابقه و...). در این برنامه از سرگذشت جوانی می‌گفت که کار در شرکت کامپیوتر را رها کرده است و تمرین می‌کند تا در امتحان حرفه‌ای شدن امسال شرکت کند. مادر او نگران زندگیش و آینده‌ی وی است، اما باز می‌گوید که اگر پسرش بتواند حرفه‌ای شود جهش شگفتی‌انگیزی است. همکاران پیشین هم او را تحسین و تشویق می‌کنند.

یک هفته‌ای پیشتر همین شبکه تلویزیونی گزارشی از نرم‌افزار تازه که برای بازی شوگی ساخته‌اند پخش می‌کرد. با دنبال کردن رهنمود این نرم‌افزار می‌شود در بازی برنده شد. گفتند که تا دو - سه سال دیگر این نرم‌افزار کامل می‌شود و دیگر هیچ شطرنج باز حرفه‌ای نمی‌تواند حریف آن شود.

در اینجا بد نیست که شرح گویایی را که مهدیقلی هدایت، مخبرالسلطنه، در میان گزارش سفر خود به ژاپن درباره‌ی بازی شطرنج ژاپنی به دست داده است بخوانیم (سفرنامه‌ی مکه معظمه از راه چین و ژاپن و...، تهران، ۱۳۲۳، ص ۱۲۶ و ۱۲۷):

«شطرنج ژاپنی هشتاد و یک خانه است (۹ × ۹) چهار مهره اضافه دارد: دو مهره طرفین شاه، دو مهره جلو اسب، و یک پیاده علاوه که در ردیف سوم قرار دارند. در عوض فرزین ندارد. مهره‌ها یک رنگند؛ اسمشان روی آن نوشته است. حرکت مهره‌ها همان حرکت معتاد است، مگر مهره‌های اضافی که یک خانه مستقیم یا مورب حرکت دارند. اُشاه است، کیما اسب، هیشا رخ، کاکوفیل، یاری رخ است که فقط در خط خودش سیر دارد؛ جین و کین (نقره و طلا) دو مهره طرفین شاهند. جین و کین یک خانه مورباً سیر دارند؛ کین برنمی‌گردد. پیاده یک خانه مستقیم پیش می‌رود، چون بخط سوم حریف رسید کین می‌شود، یعنی فرزین، و آنرا پشت و رو می‌کنند. مات گفتن با پیاده را بد می‌دانند. گویند در شطرنج دموکراسی نیست که عام بر خاص تفوق یا بد. گنجفه بازی زن‌ها است که در بازی مسرند!»

یکی از دانشجویان کوشای بخش ایران‌شناسی دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا، خانم یوری کوکینوشیتا، شرحی کوتاه اما گویا و مفید درباره انجمن اسلام‌شناسی ژاپن یافته و به فارسی نوشته است. ویراسته شده آنرا در زیر می‌خوانید:

انجمن اسلام‌شناسی ژاپن (به انگلیسی: Association for Islamic Studies in Japan) مؤسسه‌ای تحقیقی است که به همت کسانی، و از آن‌میان شمار بسیار از استادان و پژوهندگان این زمینه، مانند مرحومان ماتودا، مائه جیما و شیمادا، در ماه ژوئن سال ۱۹۶۳ میلادی بنیاد گذاشته شد تا در عرصه مطالعه و تحقیق جهان اسلام و ارائه و نشر حاصل این بررسی‌ها بکوشد، و نیز جایگاهی باشد برای مبادله فرهنگی با کشورهای اسلامی. این انجمن در ماه نوامبر همان سال ارگان «جهان اسلام» (ایسورام - نو - سیکای) را برای دریافت و انتشار نتایج تحقیقات اسلام‌شناسی تأسیس کرد. در سال ۱۹۶۷ وزارت خارجه ژاپن این انجمن را به رسمیت شناخت، و انجمن توانست علاوه بر انتشار ارگان مطالعاتی خود مجالس سخنرانی و مبادله افکار درباره جهان اسلام در مناسبت‌های متعدد برگزار کند.

«جهان اسلام» که مجله‌ای علمی با هدف ارائه نتایج پژوهش‌های اسلامی است، از نخستین نشریه‌های تحقیقی بود که پس از جنگ آغاز به انتشار کرد، و مقاله‌های ارزنده‌ای در موضوع‌های متنوع مرتبط با جهان اسلام در آن درج و معرفی شده است.

نیز در سال ۱۹۸۲ دائرةالمارف اسلام (نشر هی بونشا) که با نظارت و ویراستاری این انجمن تالیف یافته بود منتشر شد.

همچنین، در احوالی که جهان دستخوش دگرگونی عمده شده، انجمن دوره «درس اسلام» را در ده بخش پیوست شماره‌های ۳۷ و ۳۸ و ما بعد «جهان اسلام» انتشار داده است تا دستنامه‌ای برای درک بهتر خوانندگان نسبت به حقایق جهان اسلام باشد. این سلسله مقاله‌ها با شرح و تفسیر و گزارش و مصاحبه و گفت و گو با اهل تخصص همراه شد تا فهم و دریافتنش آسانتر شود. از شماره ۴۱ به بعد، ستون معرفی کتابهای تخصصی تازه داخلی و مقاله‌های منتشر شده در خارج به مجله افزوده شد.

مجله «جهان اسلام» که از سال ۱۹۹۳ در شماره دو سال منتشر می‌شود برای اعضای این انجمن فرستاده می‌شود. برای حضور در مجالس سخنرانی هم که انجمن برگزار می‌کند از اعضا دعوت می‌شود. حق عضویت سالانه این انجمن ۴۰۰۰ ین است، و دستداران می‌توانند با فرستادن درخواستنامه‌ای عضو انجمن شوند

۲۴۵ - حرف و عمل

چندی پیش رئیس یک شرکت بزرگ و معروف ماشین‌سازی ژاپن در پی بالا گرفتن جنجال پنهان کردن نقص فنی خودروهای این شرکت، که به شماری تصادفهای مرگبار جاده‌ای نیز انجامیده بود، دستگیر شد. وزیر ساختمان ژاپن گفت که دولت از این پس ازین شرکت ماشین و خودرو نخواهد خرید. رئیس این شرکت در چند ساله گذشته پی در پی تکذیب می‌کرد که تصادفها نتیجه نقص در ساخت خودروها است، و می‌گفت که صاحبان این وسایل آنرا خوب نگهداری و تعمیر نکرده‌اند. طنز قضیه اینست که او در مراسم ورود کارمندان تازه به شرکت که هر ساله در روز ۱ آوریل (آغاز سال مالی) برگزار می‌شود، در سخنانی اندرز گونه و با شور و حرارت بسیار به جوانهای تازه آمده گفته بود که انسان باید مسئولیت شناس باشد و وجدان بیدار داشته باشد، و شما جوانها باید این اصل را راهنمای کار و رفتارتان سازید. فروش ماشین‌های این شرکت در ژاپن بسیار کم شده است؛ و شماری از دستگاهها، از آنمیان شهرداری توکیو، اعلام کردند که ازین پس ازین شرکت خودرو و وسایل ماشینی نمی‌خرند. تقریباً همه شهرهای دیگر هم چنین تصمیمی گرفتند، و مردم هم می‌گفتند که دیگر به این شرکت اعتماد ندارند. اما نباید فراموش کرد که حافظه انسان، بخصوص حافظه جمعی، ضعیف است.

۲۴۶ - گور چنگیز

در پاییز گذشته روزنامه‌های ژاپن گزارش دادند که گروه مشترک باستانشناسی ژاپن و مغولستان موفق به یافتن آثار گور چنگیزخان (۱۱۶۷ تا ۱۲۲۷ م.) در بقایای اورقه در شرق مغولستان شده‌اند. گفته‌اند که کشف این گروه، به رهبری شیمپی کاتو Shinpei Kato استاد پیش دانشگاه کوکوگا کوئین Kokugakuin پیشرفت عمده‌ای است در کشف مقبره چنگیزخان که محل آن از معماهای تاریخ بوده است.

این ویرانه‌ها، در ۲۵۰ کیلومتری اولان باتار پایتخت مغولستان، مساحتی به طول ۱۲۰۰ و پهنای ۵۰۰ متر را در بر گرفته، و به احتمال محل اردوی بزرگ چنگیزخان بوده است. سطح چهارگوش زیربنای بقعه که در میانه و سوی شمال این پهنه و هر بر آن ۲۵ متر است از آثار مقبره نشان دارد. درون آرامگاه، که اتاقی است با درازای ۱۱ متر در هر سو، کاوشگران آثار دیواره‌های سنگی محدّبی یافته‌اند که تیغه‌های افراز نیایشگاه به نظر می‌آید، و سالها بعد به بنا افزوده شده است. پژوهندگان در این محوطه بقایای ابزار و اسباب پرستش نیاگان، مانند استخوانهای سوخته و خاکستر پیکر اسب و گاو یافته‌اند. این آثار با شرحی که در منابع چینی دوره یوآن (امپراتوری مغولان) آمده، و گفته شده است که پس از درگذشت امپراتور مغول این مراسم هر روزه تا سه

سال برگزار می‌شد، تطبیق می‌کند.

مغولان بنا به رسم محل به خاک سپردن فرمانروایان خود را پنهان نگاه می‌داشتند، به این ملاحظه که مبادا دشمن به آن دست یابد و بی‌حرمتی و ویوانگری کند.

رشیدالدین فضل‌الله همدانی در جامع التواریخ خود در بخش تاریخ چنگیزخان و در ذکر وقایع «فاقای ئیل سال خوک، واقع در صفر سنهٔ اربع و عشرين و ست مائه / ۶۲۴ ه. ق.» نوشته است:

«چنگیزخان در این سال [که] هفتاد و سوم بود، از سال ولادت او هفتاد دو دو [سال] تمام بود، و در بیماری که داشت به حدود ولایت تنگقوت وفات یافت. و پیشتر از آن به گاه وصیت فرزندان و بازگردانیدن ایشان وصیت کرده بود که چون او را واقعه افتد آن حال را پنهان دارند و زاری و گریه نکنند و امرا و لشکر آنجا مصابرت و توقف نمایند تا پادشاه و اهل تنگقوت به میعاد (یعنی برابر وعده‌ای که داده بودند که تسلیم شوند) بیرون آیند، و جمله را بکشند، و نگذارند که خبر واقعهٔ او زود به ولایات رسد، تا اولوس به هم بر نیاید (= مملکت گرفتار آشوب نشود).

«ایشان، به موجب وصیت، آن واقعه او را پنهان داشتند. چون اهل تنگقوت بیرون آمدند، تمامت به شمشیر بگذرانیدند، و صندوق او برگرفته رو به راه آوردند؛ و هر آفریده که می‌دیدند می‌کشتند تا خبر به اطراف نرسد. و در شون‌ای سال خوک مذکور، موافق چهاردهم رمضان سنهٔ اربع و عشرين و ست مائه هجری، مرقد او را به آوردوهای او رسانیدند و اظهار واقعه کردند؛ و در چهار آوردوی بزرگ او تعزیت داشتند و در موضعی که پیش از آن وقتی جهت [مدفن خود] قُرُوق بزرگ تعیین فرموده بود تا او را دفن کردند». (جامع التواریخ، به کوشش محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران، ۱۳۷۳، ص ۵۷۹ و ۵۸۰)

در کتاب تاریخ جهانگشای تألیف علاءالدین عظاملک جوینی (به کوشش محمد قزوینی، جلد اول، چاپ لیدن، ۱۳۲۹ ه. / ۱۹۱۱ م.) شرح درگذشتن چنگیزخان بسیار کوتاه آمده است: «در وقت آنک چنگیزخان از ممالک غربی با مخیم قدیم شرقی رسید و از آنجا عزیمت مبادرت بجانب ولایت تنگوت بتقدیم رسانید، و بعد ما که آن‌احیت از شر دشمنان پاک شد و تمامت مخلص و مسلم گشت، بوقت انصراف مرضی که از عفونت آن هوا تولد کرده بود زیارت شد و از دست درمان گذشت پسران خود... را نزدیک خود خواند و... کار مرض سخت تر شد چنانکه حرکت از مقام متعذر آمد. در چهارم رمضان سنهٔ اربع و عشرين و ست مائه بگذشت.» (ص ۱۴۲ و

۲۴۷- دم خروس را باور کنید!

روزنامه یومیوری ژاپن روز ۲۸ ژوئن ۲۰۰۵ گزارشی از خروسهای دم بلند ژاپنی درج کرده بود، که این نگارنده را به یاد دیداری که حدود سی سال پیش از معبد بزرگ شینتویی ایسه در ایالت می‌یه داشت، و آنجا نخستین بار این خروسهای زیبای خوش خرام را دید، انداخت.

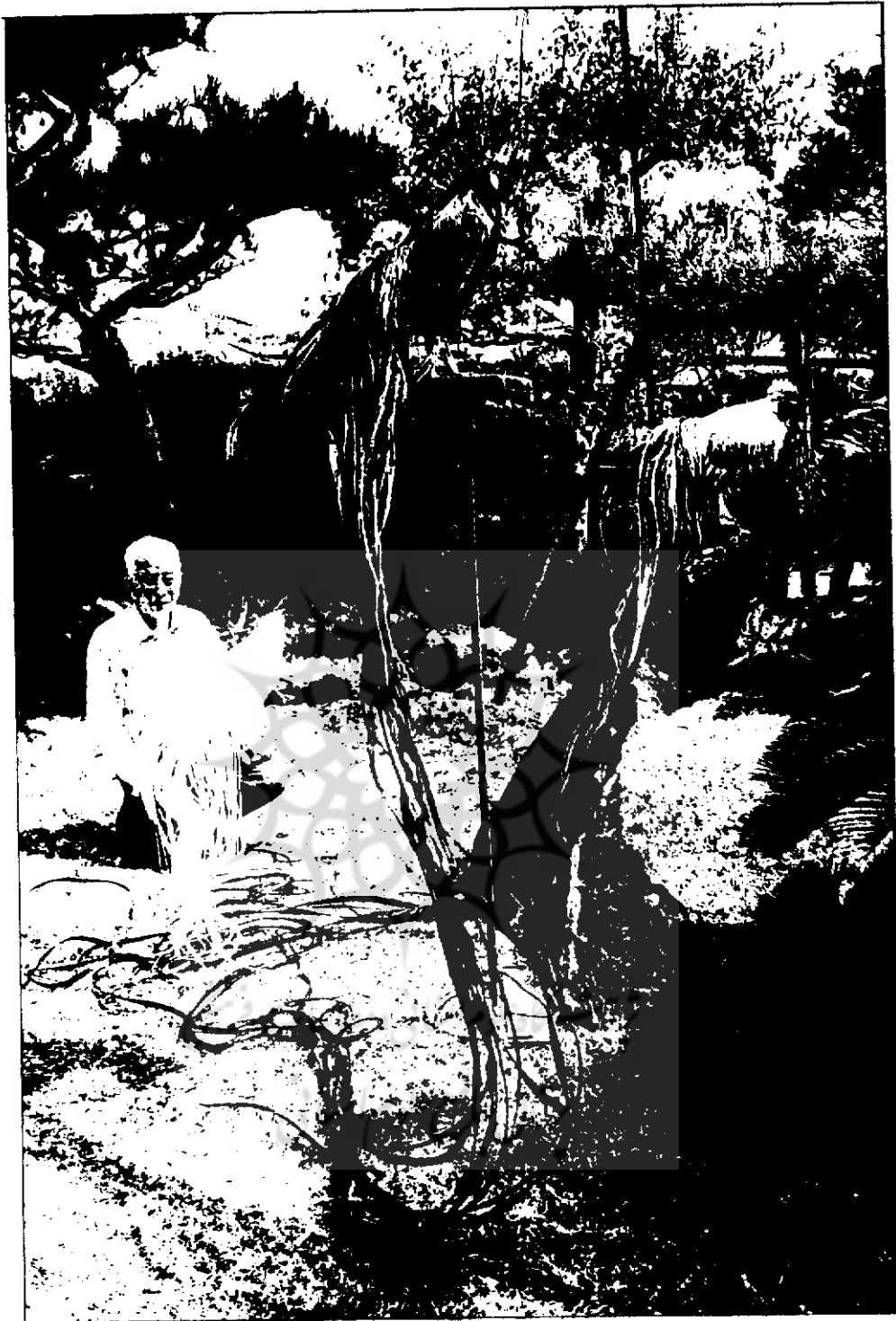
خروس‌های دم بلند ژاپنی، که طول دم آنها تا ده متر می‌رسد، از ذخایر یا گنجینه ملی ژاپن شناخته شده است. گویا دم بلند این خروسها نخستین بار در خاندان یامانواوچی، که رئیس آن از سال ۱۶۰۳ میلادی امارت ناحیه توسا (استان توچی کنونی در جنوب جزیره شیکوکو از جزایر چهارگانه اصلی ژاپن) را داشت، به کار گرفته شد. این پرها را برای پوشاندن نوک نيزه‌هایی که سربازان و ملازمان همراه امیر ولایت در رفت و آمد هر دو سال یکبارش به اِدو (توکیو کنونی) برای اظهار انقیاد به شوگون، فرمانروای لشکری ژاپن، با خود برمی‌داشتند، به کار می‌بردند.

گفته‌اند که نخستین کسی که توانست در اوایل دوره اِدو (سالهای ۱۶۰۳ تا ۱۸۶۸) ماکیان با چنین دم بلند پرورش بدهد تا که چی ریه مون Takechi Riemon بود، و چنین می‌پندارند که این خروسها با آمیختن نژاد دو گونه قرقاول (قرقاول مسین و قرقاول معمولی) پیدا آمده؛ اما حقیقت حال ناشناخته مانده است. اکنون آزمایشهای ژنتیکی در جریان است تا پاسخ علمی معما را بیابند.

خروسهای دم بلند تا حدود ده سال عمر می‌کنند، و دم بلند آنها هر سال یک متر رشد دارد. در سال ۱۹۷۴ خروسی با دم ۱۰/۶ متری به عنوان رکورد دار جهانی در دفتر رکوردهای گینس Guinness Book of Records به ثبت رسید.

توشی تو ایکه موتو، ۷۹ ساله، رئیس انجمن حفظ نژاد این خروسها در ناحیه نانکوکو در ایالت کوچی ۸۰ تا ازین خروسها پرورش داده است. او دوبار در روز، صبح و شب، به ماکیان خود دانه می‌دهد، و با این نگرانی که مگر خوراک دادن کارگر غریبه به خروسها موجب تنش و هراس این نازپرورده‌ها و ریختن پرهای بلندشان شود، از سفر و غیبت یک شبه از خانه هم خودداری می‌کند.

خروس که ده ماهه شد آنرا در قفسی به شکل جعبه باریک و بلندی که تومه باکو خوانده می‌شود جای می‌دهند، تا که زخم و آسیبی به پرهایش نزنند. این جعبه باریک و بلند است، تا که ماکیان از بلندی نیفتد و نیز جا برای رشد دمش باز باشد. پروردن این خروسها بس دشوار است، چرا که از هر یکصد جوجه یکی چنین استعدادی دارد. پس از یک سال پرورش دادن هم بسا که می‌بینند که ماکیان پرهایش رنگ غیرعادی دارد. در ۲۰ سال گذشته ایکه موتو فقط توانسته است شش خروس با دم بلندتر از پنج متر پرورش بدهد. بلندترین دم در خروسهای بار آورده او ۸/۹



● توشی توایکه موتو با خروسهام دم بلندش در باغ

متر بوده است (سال ۱۹۸۸). مسأله دیگر تکثیر نژاد در میان شمار محدود ماکیان است، که اگر ادامه یابد جوجه کشی اُفت می‌کند و استعداد بلند شدن دم در میان مرغان کم می‌شود، ایکه موتو از همکاری محققان دانشگاه هیروشیما بهره گرفته است تا راهی برای بهبود نژاد این خروسها پیدا کند. دغدغه عمده او افتادن بیماری مرغی میان این ماکیانها و از دست رفتن آنهاست.

۲۴۸ - عمر بلند ژاپنی‌ها

رادیو تلویزیون ملی ژاپن، NHK، بهار امسال (۷ آوریل ۲۰۰۵) گزارش داد که برابر آمار سازمان ملل متحد عمر متوسط ژاپنی‌ها ۸۲ سال و از مردم همه ۱۴۰ کشور عضو این سازمان بیشتر است. پس از آن ایتالیا با ۸۱ سال عمر جای دارند. کمترین متوسط سن، ۳۵ سال، در سوازیلند است.

۲۴۹ - وصف «کان بای» یا شکوفه آلو

ژاپنی‌ها مردمی طبیعت دوستند، و هر چند که دلبستگی‌شان به شکوفه گیلاس زبانزد است، شکوفه آلو را که آخر زمستان و در سرما می‌شکفتد و نشانهٔ سرسختی و پایداری است دوست می‌دارند.

انجمن ایرانشناسی ژاپن جلسهٔ سالانهٔ خود را هر بهار میان دو فصل شکوفه آلو و شکوفه گیلاس برگزار می‌کند. چنانکه استاد ایراندوست دل آگاه آقای پرفسور تاکه‌شی کاتسوفوجی رئیس این انجمن یادآور می‌شود، اصحاب آن هر سال سیزده فروردین را با آمدن به این مجلس و هر بار در گوشه‌ای از ژاپن به در می‌کنند. امسال (۱۳۸۴ / ۲۰۰۵ م.) هم سیزده بدر این جمع در روزهای ۱۳ و ۱۴ فروردین (۲ و ۳ آوریل) در دانشگاه دوشیسا در کیوتو و به میزبانی بخش مطالعات ادیان توحیدی این دانشگاه برگزار شد، و این بار نیز استاد کاتسوفوجی با سخنی کوتاه به فارسی مجلس تحقیق راگشود، و هنگام آمدن به مجلس هم ارمغانی دل‌انگیز برای این نگارنده همراه داشت؛ شعری سرودهٔ استاد چوئه نی‌ئی جیما بنیادگذار این دانشگاه که هنگام وارد شدن به اینجا آنرا بالای دروازه دیده و یادداشت کرده و به فارسی در آورده بود. ترجمهٔ استاد را که با قرائت این شعر سبک چینی و شرحی دربارهٔ آن همراه بود باز نوشتم و با توضیحی که در همان مجلس و سپس در نامهٔ خود بر آن افزودند در زیر می‌آورم. آوانگاری این شعر کوتاه پنج بندی که به زبان و شیوهٔ قدیم سروده شده نیز از استاد کاتسوفوجی است. این قطعه برابر قالب قدیم در پنج بند یا پنج پاره مرتب شده اما ترجمهٔ آن در چهار سطر است. عنوان این شعر «کان بای» (شکوفهٔ آلوی زمستانی) است، و آنرا بر سر در ساختمان اصلی این دانشگاه که کان بای کان»

(عمارت شکوفه آلو) نام داده‌اند، نوشته‌اند، از بالا به پایین و از راست به چپ:

آوانگاری این قطعه به فارسی:

نیوا - نو - اوئه - نو هیتوتسئو - نو - کان بای

و اراته فویسه تسو نو آکاشی تو

هیراکو آراسو وازو، مانا

ری کی مازو آنوزو کارا

هیاکو - نو - ساکی گاکه نو

ترجمه آن:

میان باغ، تکدرخت پر شکوفه آلو

با همه باد و برف، لب به خنده باز می‌کند

آرام و سر بزیر، بی‌ستیز و تکاپویی

خود بر صد درخت گل سر است

۲۵۰ - درگذشت کنزو تانگه

کنزو تانگه Kenzo Tange آرشیست نامور ژاپنی و استاد دانشگاه توکیو روز ۲۲ مارس

۲۰۰۵ در ۹۲ سالگی درگذشت

تانگه برجسته‌ترین معمار ژاپنی پس از جنگ بود، و طراحی و ساخت استادیوم و تأسیسات دهکده المپیک توکیو و شماری دیگر از بناهای عظیم و معروف، مانند شهرداری توکیو، برای او شهرت جهانی بار آورد. در ژاپن هم از چهره‌های برجسته و مورد احترام بود. در سال ۱۹۷۸ بالاترین جایزه معماری جهان را گرفت، و نیز گنجینه فرهنگی زنده ژاپن شناخته شد؛ و در سال ۱۹۷۹ بزرگترین جایزه فرهنگی ژاپن به او داده شد.

بنا و پیکره یادبود قربانیان بمباران اتمی هیروشیما هم از یادگارهای اوست. تانگه که دفتر معماری و طراحی خود را در سال ۱۹۶۱ تأسیس کرده بود، با بازسازی هیروشیما به شهرت رسید، و طراحی ورزشگاه و تأسیسات المپیک ۱۹۶۴ توکیو به او سپرده شد، و پس از آن هم طراحی و ساخت نمایشگاه بین‌المللی ۱۹۷۰ اوساکارا بر عهده گرفت. از آثار دیگر او کلیسای سن ماری St. Mary's Cathedral در محله بونکیو Bunkyo است، که مراسم تشییع و ترحیم او هم آنجا برگزار شد. نمونه‌های آثار معماری او در ۲۰ کشور جهان بازمانده، که از آنمیان است فرودگاه بین‌المللی کویت، کاخ سلطنتی عربستان سعودی، و برج UOB Plaza در سنگاپور.

تانگه که در سال ۱۹۱۳ در اوساکا زاده شد تا دوره متوسط را در ایمابارا Imabara در ایالت

اهیمه Ehime گذراند و پس از به پایان بردن رشته معماری دانشگاه توکیو در دفتر کومیو مائه کاوا Kumio Maekawa از شاگردان Le Corbusier به کار پرداخت. دوره عالی معماری دانشگاه توکیو را در سال ۱۹۴۲ به انجام رساند، و عضو هیأت علمی این دانشگاه شد. در سال ۱۹۶۳ به درجه استادی رسید و تا سال ۱۹۷۴ تدریس می‌کرد. در سال ۱۹۸۴، در اوج شهرت جهانی، بنیاد هنری - معماری خود را تأسیس کرد، و تا چند ماه پیش از مرگش که بیمار و بستری شد فعالیت سازنده‌اش را دنبال می‌کرد. او در بنیاد خود که آنرا «آزمایشگاه تانگه» Tange Laboratory نام داده بود، جوانهای مستعد بسیار بار آورد که همه امروز معماران برجسته در جهان شده‌اند؛ از آنمیان فومی هیکو ماکی Fumihiko Maki، آراتا ایسوزاکی Arata Isozaki، و کیشو کوروکاو Kisho Kurokawa. اما چنانکه یکی از بزرگان معماری پس از مرگ تانگه گفت، تاکنون بسیاری خواسته‌اند که دنباله‌رو او باشند، اما هنوز هیچیک نتوانسته‌اند به پای او برسند.

نگارنده در سال ۱۹۷۴ (زمستان ۱۳۵۲) که برای مأموریت رسمی به ژاپن آمد و از همان نخستین روزها پی محل سکونت مناسبی می‌گشت، در فرصت دیداری از زنده یاد تانگه شنید که بتازگی از آپارتمان مسکونی‌اش نزدیک دهکده المپیک نقل مکان کرده و به خانه‌ای بزرگ‌تر رفته است. پس بی‌زحمت و گرفتاری سر و کار داشتن با واسطه‌های املاک که هزینه سرسام‌آوری هم برای حق‌العمل خود به مستاجر تحمیل می‌کردند، آپارتمان آماده را (که نوسازی و رنگ‌آمیزی هم کردند) به اجاره گرفت، و هر چند که اجاره بها به قیمت‌های آنروز هم بسیار بالا بود، اما راحتی و وسعت‌خانه و فضای مطبوع و دلنشین آن در مرکز محله هنری توکیو جبران‌گرانش را می‌کرد، و خاطره دیدار یا بسیاری از اهل فرهنگ و هنر ژاپن در آنجا برایم همیشه زنده است.

پرفسور کنزو تانگه در آن سالها طرح جامعی برای تبدیل تپه‌های عباس‌آباد به مرکز شهری پیشرفته‌ای که همه سفارتخانه‌های خارجی هم در آن متمرکز باشند و فروشگاه‌های بزرگ ژاپن آنجا شعبه دایر کنند، با ساختمانها و تأسیسات اداری و بازرگانی نمودار بالاترین فن و هنر معماری و استاندارد شهرسازی آماده می‌کرد، که به گفته ناظران دیروز و امروز اگر به انجام می‌رسید تهران اکنون چهره‌ای دیگر داشت. اما، زمانه نقشی جز آن نمود که در آئینه تصور ما پیدا بود.